

چك

«۳»

بخش دوم - چك از نقطه نظر مدنی یا باصطلاح حقوقی
در شماره ۷۰ مجله سوابق تاریخی چك و عقود متعلق بان را دیدیم اینك چك را
از نقطه نظر مدنی مورد بحث قرار میدهم :

مقدمه

در روابط تجاری و مدنی افراد چك دلیل و مدرکی است که پیش از هر نوشته
یا سند دیگر مورد استعمال دارد

سهولت صدور چك و مخصوصاً تضمینات مدنی و کیفری که قانون برای آن شناخته
چك را بصورت يك نوشته فوق العاده رایج در آورده است.

درجه رواج چك تقریباً تا حد روابط پول و اسکناس افزایش یافته است.

استفاده ای که بانکها مخصوصاً بانك ناشر اسکناس (بانك ملی) از چك مینمایند
و آنرا تقریباً بجای انتشار اسکناس بکار میبرند ترویج آنرا توسعه میدهد. اما آنچه بیشتر
موجب رواج چك میگردد خاصیتی است که چك از لحاظ صادرکننده و گیرنده دارد

صادرکننده که می بیند ورقه ای در اختیار دارد که به مبلغ و مقدار، با موجودی وی
موجودی میتواند آنرا صادر کند و رغبتش بداشتن حساب برای صدور چك فوق العاده زیاد
میشود گیرنده چك که ملاحظه میکند سندی دریافت میدارد که علاوه بر بعضی مزایای اسناد
رسمی تضمینات کیفری نیز دارد در گرفتن آن درنگ نمیکند. در اینجا مقدمه پایان مییابد
و برمیگردیم باصل مطلب ابتداء تعریف قانونی چك و سپس مسائل دیگری را که مربوط
به نقطه نظرهای مدنی چك است به ترتیب بررسی مینمایم :

تعریف قانونی چك

ماده ۳۱۰ قانون تجارت چك را چنین تعریف میکند :

« چك نوشته ایست که بموجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد

محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا بدیگری واگذار مینماید. »

(۱) برای اینکه ایراد نشود که چك بدون موجودی را کسی صادر میکند که از عواقب
آن نترسد و این صفت جنبه عمومی ندارد توضیحاً اضافه میکنیم که حتی بازرگانان معتبر چك بدون
موجودی صادر میکنند نهایت این قبیل چكها مدت دار میباشد و هنگام صدور با این اندیشه چك
میکشند که قبل از وعده پول به حساب بریزند.

ماده ۱ لایحه چك‌های بی محل هم چنین میگوید :
 « چك‌های صادره بعهدہ بانك ملی ایران و سایر بانک‌هاییکه طبق قوانین دایر شده یا میشود در حکم اسناد لازم‌الاجراء بوده و دارنده چك در صورت مراجعه به بانك و عدم پرداخت وجه آن بعلت نبودن محل یا بهر علتی که مربوط بعمل صادرکننده باشد میتواند طبق مقررات ماده چهار با رعایت قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط باجراء اسناد رسمی وجه چك را از صادرکننده وصول نماید. »

از ترکیب دوماه فوق معلوم میشود که بعد از این دونوع چك میبایست داشته باشیم یکنوع چك‌هاییکه عهده بانك ملی و سایر بانک‌هایی است که طبق قوانین دایر شده یا میشود یکنوع چك‌هاییکه عهده این بانکها نیست بلکه عهده اشخاص طبیعی یا اشخاص حقوقی دیگری غیر از بانك میباشد و یا اگر عهده بانك است آن بانك طبق قوانین دایر نشده است.

نوع سومی هم البته وجود دارد و آن چك تضمین شده است. از سه نوع چك مذکور آنچه مورد نظر است نوع اول میباشد اما برای آنکه موضوع بهتر و بیشتر روشن شود بموازات تشریح و توضیح نوع اول عنداقتضاء خواص و آثار نوع دوم را نیز بررسی میکنیم لیکن چون دسته سوم یعنی چك‌های تضمین شده تقریباً شباهت باسکناس دارد و مربوط به بحث ما نیست لذا از تعرض بان خودداری میشود

تشریح و توضیح چك‌های نوع اول

بموجب ماده ۱ لایحه مذکور « چك‌های صادره بعهدہ بانك ملی ایران و سایر بانک‌هاییکه طبق قانون دایر شده یا میشود در حکم اسناد لازم‌الاجراء » میباشد. اکنون به بینیم اسناد لازم‌الاجراء چه نوع اسنادی هستند و لازم‌الاجراء بودن چه معنی و مفهومی دارد.

بموجب ماده ۹۲ و ۹۳ قانون ثبت که میگوید :

« مدلول کلیه اسناد رسمی راجع بدیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم‌الاجراء است » و « کلیه اسناد رسمی راجع به معاملات املاک ثبت شده مستقلاً و بدون مراجعه به محاکم لازم‌الاجراء است. »

اولاً سند لازم‌الاجراء یعنی آن چنان سندیکه بدون مراجعه به محاکم قابل اجرا باشد.

ثانیاً لازم‌الاجراء صفت سند رسمی است لیکن با این امتیازیکه قانون گذار بچك داده آیا میشود آنرا در ردیف سند رسمی قرارداد ؟ مسلماً نه زیرا ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی (۱) سه نوع سند را رسمی شناخته :

۱ - ماده ۱۲۸۷ اسنادیکه در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است .

چک

سندیکه در اداره ثبت اسناد و املاک ثبت شود.

سندیکه در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسد.

سندیکه نزد سایر مأمورین در حدود صلاحیت آنها تنظیم گردد و چک چنانکه ملاحظه میشود با هیچیک از سه نوع سند رسمی تطبیق نمیکند البته قانونگذار باین معنی توجه داشته و چون نمیخواسته بچک عنوان سند رسمی و حتی سند لازم الاجراء بدهد لذا آنرا در «حکم» اسناد لازم الاجراء قرار داده است.

اما با این تدبیر قانونگذار فقط یکی از اوصاف سند رسمی را بچک تفویض نموده یعنی از مجموع امتیازات اسناد رسمی فقط لازم الاجراء بودن را بچک شمول داده است.

اکنون به بینم امتیازات دیگری که سند رسمی دارد چیست؟ و چک از نقطه نظر آنها چه کیفیتی دارد؟ ضمناً با توضیح و تشریح این دو موضوع علت آنکه قانونگذار نتوانسته بقیه آثار و خواص اسناد رسمی را بچک شمول دهد بخودی خود روشن میشود:

۱ - مهمترین امتیاز سند رسمی اینستکه درمقابل آن اظهار انکار و تردید مسموع نیست (۱) و فقط نسبت بآن میتوان ادعای جعل نمود.

نسبت باین خاصیت اسناد رسمی باید چک را از نقطه نظر مدنی و کیفری جداگانه مورد بررسی قرار داد.

از نقطه نظر مدنی چون چک طبق تعریف قانونی یک «نوشته» ای است که از طرف اشخاص بدون دخالت مقامات رسمی صادر میشود بنابراین تردید نیست که سند عادی میباشد و لذا درمقابل آن هم اظهار تردید مسموع است و هم انکار و بطریق اولی ادعای جعل هم نسبت بآن میتوان نمود.

البته مسموع بودن دعوی انکار یا تردید در صورتی است که دارنده چک جهت مطالبه وجه آن راه دادگاه را در پیش گیرد و الا هرگاه دارنده برای وصول وجه چک باجاء ثبت اسناد برود اداره مذکور نمیتواند و نباید باظهار انکار یا تردید صادرکننده چک و قعی بگذارد:

زیرا لایحه جدید چکهای بیمحل چک - چکی که متصف باوصافی باشد که قانون در لایحه مقرر داشته است را در حکم اسناد لازم الاجراء شمرده و اداره اجراء ثبت اسناد را مأمور صدور اجرائیه قرار داده است با اینوصف وقتی قانون بسندی صفت لازم الاجراء میدهد بدیهی است که سند مذکور باید مصون از هر نوع ادعائی فرض شود و این مصونیت با قبول هر نوع ادعائی از قبیل انکار و تردید منافات دارد.

چه اظهار انکار یا تردید و جعل مدنی و بطور کلی هر وسیله دفاع (بمعنای اعم) دیگری مربوط بجرایان دادرسی بوده و حداکثر تأثیر آنها تا زمانی است که حکم لازم الاجراء از دادگاه صادر نشده باشد.

اما وقتی حکم لازم الاجراء صادر گردید یا قانون صفت لازم الاجراء بودن را

۱ - ماده ۱۲۹۲ قانون مدنی و ۲۷۶ آئین دادرسی مدنی .

بنوشته‌ای داد و آنرا هم سنگ حکم دادگاه شناخت دیگر دادرسی درین نیست تا بتوان از وسائل آن استفاده نمود.

محتاج توضیح نیست که امکان ابطال اسناد لازم‌الاجراء وحتى اجرائیه نیز هست لیکن نه بصورتیکه اجراء ثبت بتواند رأساً چنین تصمیمی بگیرد بلکه بوسیله دادگاه‌ها چنین امری ممکن است انجام گیرد آنهم بصورت اقامه دعوی و چون در اقامه دعوی خواهان ابطال احتیاج بدلیل اثبات‌کننده دارد لذا وسایل دفاع و از آن جمله تکذیب دعوی و اظهار تردید یا انکار انتساب سند لازم‌الاجراء برای اثبات و اقامه دعوی مفید نیست. نقطه نظر جزائی چک هنگام طرح جنبه کیفری این موضوع توضیح داده خواهد شد.

۲ - بموجب ماده ۹۲ و ۹۳ سابق‌الذکر امتیاز دیگر اسناد رسمی لازم‌الاجراء بودن مدلول آنهاست.

اکنون به بینم چک از نقطه نظر ماده مذکور چه کیفیتی دارد چنانکه ماده ۱ لایحه مذکور بیان میکند چک در «حکم» اسناد لازم‌الاجراء است نه آنکه عین سند لازم‌الاجراء باشد، این یک فرق.

اما چون چک غیر از حواله وجه دلالات دیگری هم ممکن است داشته باشد در اینصورت آیا میتوان گفت سایر دلالات چک هم لازم‌الاجراء است یا خیر؟

مثلاً هر گاه در متن چک نوشته شده باشد «مبلغ... ریال بابت خرید یکدستگاه اتومبیل شماره... الخ» آیا کشنده چک هم میتواند برای الزام گیرنده وجه بتحویل اتومبیل از خاصیت لازم‌الاجراء بودن چک استفاده کرد اجرائیه صادر کند یا خیر؟

برای پاسخ بسؤال مذکور هر گاه صدر ماده ۱ یعنی جمله «چکهای صادره... در حکم اسناد لازم‌الاجراء بوده» مورد توجه واقعه شود ظاهراً باید گفت کشنده چک در این استفاده ذیحق است زیرا قانون که چک را در حکم اسناد لازم‌الاجراء قرار داده مفهومی نیست که آنچه در آن نوشته شده و باصطلاح هر مدلولی که چک دارد باید لازم‌الاجراء باشد و در این فرض تفاوتی نمیکند که محتوی چک فقط حواله وجه باشد یا مدلول‌های دیگری را هم افاده کند. اما اگر ذیل ماده ۱ یعنی این قسمت «میتواند... وجه چک را از صادرکننده وصول نماید» مورد توجه قرار گیرد و مخصوصاً عبارت مذکور قید صدر ماده تلقی گردد - و این نظر درست است - در اینصورت مسلماً مفاهیم دیگر مندرج در چک لازم‌الاجراء نبوده و اداره اجراء نمیتواند نسبت بآنها اقدامی معمول دارد.

در اینجا یک توضیح دیگر لازم است اضافه شود و آن اینکه عبارت متن چک که محتوی حواله وجه به‌حامل یا حواله کرد او است باید منجز باشد و اگر عبارت طوری باشد که تعلیق از آن استفاده شود اداره اجراء دیگر نمیتواند روی آن اجرائیه صادر کند زیرا ماده ۵۰ نظامنامه دفاتر اسناد رسمی صدور اجرائیه را منحصر بموضوعات منجز در سند قرار داده است و ذیل ماده ۱ لایحه که اجرای چک را مطیع کلیه قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط باجراء اسناد رسمی قرار داده بهمین منظور بوده است.

چك

۳ - سند رسمی مزایای دیگری از قبیل تأمین خواسته^۱ و تأمین قبل از سررسید^۲ و نفوذ نسبت بقائمقام طرفین و حتی اشخاص ثالث دارد^۳ ولی چك همانطوریکه گفته شد چون در حکم اسناد لازم الاجراء است نه اسناد رسمی بنابراین فائد مزایای مذکور میباشد. در اینجا تعریف قانونی چك و بعضی خواص و مزایاییکه چك با تصویب لایحه جدید پیدا نموده خاتمه داده و طرق وصول وجه چك را مورد بررسی قرار میدهیم.

دارنده چك برای مطالبه وجه آن از سه طریق میتواند اقدام کند: از راه اجرای ثبت اسناد، دادگاههای مدنی و دادسراها.

طریق اجرای ثبت را چون مربوط به نقطه نظر مدنی چك است هم اکنون توضیح داده و راه دادسراها را هنگام طرح جنبه کیفری چك به بحث خواهیم گذاشت
طریق اجرای ثبت

برای وصول وجه چك بوسیله اجرای ثبت اسناد قبلاً باید یکعه اعمال انجام شده و یکعه اسناد تدارك شود.

۱ - طبق ماده ۱ لایحه «دارنده چك در صورت مراجعه بانك و عدم پرداخت وجه آن» میتواند باجاء ثبت مراجعه نماید این قید لایحه کاملاً منطقی است زیرا طبق ماده ۳۱۰ قانون تجارت «چك نوشته ای است که... صادرکننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد بدیگری واگذار میکند» و همانطوریکه قبلاً گفته شد طبیعت و ماهیت صدور چك عبارت از واگذاری وجوهی است که نزد دیگری میباشد پس دارنده چك قبل از مراجعه بمحال علیه حق هیچگونه اقدامی علیه کسندنه چك یا ظهرنویس ها ندارد.

دلیل تحقق این مراجعه را قانونگزار صدور گواهینامه عدم پرداخت از طرف بانك قرار داده است. از این قسمت نتیجه میگیریم که مراجعه بانك یکی از اعمالی است که قبل از هر اقدامی باید انجام شود.

۲ - بموجب تبصره ۱ لایحه که میگوید

«برای صدور اجرائیه دارنده چك باید عین برگ چك و گواهینامه بانك را دایر بعلمت عدم پرداخت وجه چك که در ماده ۴ مذکور است بداره اجراء ثبت اسناد محل تسلیم نماید» ظاهراً لاشه چك و برگ برگشتی بانك برای صدور اجرائیه کافی است لیکن بموجب ماده ۴ لایحه قبل از ارسال اظهارنامه صدور اجرائیه مقدور نیست پس برای وصول وجه از طریق اجراء ثبت سه مستند لازم است چك، برگ برگشتی و اظهارنامه یا اعتراض نامه.

اکنون به بینیم سه فقره اسناد مذکور باید محتوی چه موضوعاتی بوده و چگونه تنظیم شود.

۱ - شق ۱ از ماده ۲۲۵ آئین دادرسی مدنی

۲ - ماده ۲۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی

۳ - تاریخ سند رسمی حتی نسبت باشخاص ثالث هم معتبر است - ماده ۱۳۰۵ قانون مدنی

اول از چك شروع میکنیم - در مورد تنظیم و صدور چك چون نظر قانونگذار بحفظ حقوق دارنده چك و نفوذ و اعتبار این سند تجاری بوده لذا تقریباً تمام عللی را که موجب عدم نفوذ یک سند ممکن است باشد از قبیل قلم خوردگی ، اختلاف بین مندرجات و اشتباهات نادیده گرفته و فقط یکی از آن علل را مورد نظر قرار داده است و آن عبارت از عدم مطابقت امضاء کشنده چك است. آنقسمت از تبصره ۲ ماده ۱ که میگوید :

« اداره اجراء در صورتیکه مطابقت امضاء چك با امضاء صادرکننده از طرف بانک گواهی شده باشد دستور اجراء صادر خواهد نمود » مطابقت امضاء را برای صدور اجرائیه شرط لازم و ضرور قرار داده است. پس برای آنکه بتوان باستناد چك اجرائیه صادر کرد. اولاً چك باید امضاء داشته باشد.

ثانیاً مطابقت امضاء آن از طرف بانک گواهی شده باشد. اکنون که بحث باینجا کشید کاملاً بموقع میدانند که شرایط اساسی صدور چك از قبیل تاریخ و محل صدور تعیین مبلغ تعیین محل علیه و امضاء صادرکننده را از نقطه نظر لایحه قانونی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. بموجب ماده ۱ لایحه که میگوید :

دارنده چك در صورت مراجعه ببانك و عدم پرداخت وجه آن بعلت نبودن محل یا بهر علتی که مربوط بعمل صادرکننده باشد ... »

عیوب و نقایص چك هیچکدام مانع از صدور اجرائیه نیست و شاید بتوان گفت برای مراجعه باجرای ثبت هیچیک از شرایط اساسی که قانون تجارت برای چك لازم شمرده واجب الرعايه نیست و قانونگذار با قید جمله « بهر علتی که مربوط به عمل صادرکننده باشد » ضمانت اجرای وسیعی برای چكهای ناقص و معیوب قائل شده است و فقط همانطوریکه قبلاً نوشته شد امضاء و تطابق امضاء را لازم دانسته و لاغیر و بطور خلاصه از نظر گاه لایحه قانونی همینکه عرفاً بنوشته ای چك اطلاق شود برای صدور اجرائیه کافی است (۱).

توضیح :

۱ - بعضی از شرایط اساسی که قانون بازرگانی لازم شمرده و در لایحه مسکوت مانده یا طوری است که طبیعتاً نمیتوان بدون رعایت آن هیچگونه اقدام اجرائی نمود مانند اینکه هر گاه در چك مبلغ قید نشده باشد اجرائیه فاقد موضوع لازم الاجراء که یکی از ارکان اساسی اجرائیه است میگردد و یا بانک بدون توضیح آنها چك را قبول نمیکند و بالطبع برگ برگشتی صادر نمینماید.

مثلاً هر گاه در چك تاریخ و محل صدور آن تعیین نشده باشد هیچ بانکی چنین

۱ - قید عرفاً از اینجهت است که در صدر ماده ۱ لایحه گفته شده است « چكهای ... »

چک

چکی را نمیپذیرد و چک بدون ورقه برگشتی خواهد ماند و وقتی برگ برگشتی همراه چک نباشد نمیتوان اجرائیه صادر کرد.

۲ - ممکن است گفته شود قانونگذار با قید جمله «چکهای صادره بمهده بانک ملی ایران و سایر بانکهاییکه طبق قوانین دایر شده یا میشود» شرایط اساسی چک را بطور مضاعف رعایت نموده نخست آنکه گفته است «چکها» و مراد از چکها آنچنان چکهائی است که ارکان قانونی آن طبق مقررات قانون بازرگانی درست باشد و لایحه از غایت وضوح نیازی بتوضیح آن نمیدیده است.

دوم آنکه بانک ملی و بانک دیگریکه طبق قانون تشکیل میشوند مدل چکهای آنها حاوی شرایط اساسی چک هست و در صورتیکه آن شرایط از طرف صادرکننده رعایت نشود آنها طبق مقررات سازمانی خود مجاز بقبول چنین چکهائی نیستند. البته این، نظر درستی است و بهمین جهت بود که نظریه اول را با کلمه «شاید» بقید نمودم.

اما در مقابل لایحه قانونی چک یک شرط جدید که نه مربوط به صادرکننده و نه مربوط بخود چک است بلکه مربوط بمحال علیه میباشد بشرایط اساسی چک اضافه کرده است شرط جدید عبارت است از اینکه محال علیه چک باید بانک ملی ایران و یا اگر غیر از آن است بانکی باشد که طبق قانون دایر میشود (۱). در بادی امر این قید بنظر غیر منطقی میآید زیرا متصرف بودن محال علیه به فلان صفت چه مربوط به صادرکننده چک است؟

و در حالتیکه معامله منتهی بصدور چک بین محیل و محال انجام میگردد محال علیه نسبت بان معامله کاملاً بیگانه است چرا باید قدرت و قوت اجرائی چک منوط بوجود وصفی در محال علیه باشد. اما با اندک تأملی در ماده ۱ لایحه معلوم میگردد که قانونگذار در مقید کردن بانک کاملاً محق بوده زیرا میخواسته بنوشته ایکه محال علیه غیر دولتی تهیه و در دسترس مشتری میگذارد عنوان سند لازم الاجراء عطاء کند و در اینصورت میبایست تأسیس و ایجاد آنچنان محال علیهی را که میتواند بهر اندازه از این نوشته تهیه و در دسترس هر تیپ مشتری قرار دهد، بقیود قانونی مقید سازد.

نتیجه آنکه آنچنان چکی را میتوان بوسیله اجرای ثبت بجریان گذاشت که بانک تهیه کننده آن بانک ملی بوده و یا طبق قانون دایر شده باشد.

اکنون باید به بینیم :

اولاً قانون یا قوانینی که بانک های مذکور طبق آن دایر شده یا میشوند

کدام هستند .

ثانیاً ازمه مرجعی (۲) که روی چک اقدام میکنند کدام یک باید شرط مذکور را

مراعات کنند .

۱ - البته این شرط مربوط بچکهائی است که دارنده بخواهد از طریق اجرای ثبت وجه آنرا

وصول کند . ۲ - اجرای ثبت - دادگاه های مدنی - دادسراها .

ثالثاً برای تشخیص اینکه بانک‌ها طبق قانون دایر شده یا نه به کجا بناید مراجعه کرد؟

مهمترین قانونی که بانک‌ها طبق آن دایر شده یا میشوند عبارت از قانون بانکداری و آئین نامه آن میباشد اصل قانون در کمیسیون مشترک مجلسین در جلسه پنجم تیر ماه ۱۳۳۴ بتصویب رسیده است. از ۸۸ ماده قانون مذکور مفاد ۶۶ ماده اول آن باید در تأسیس هر بانکی رعایت بشود، البته قوانین دیگری هم - مخصوصاً قوانین بازرگانی - هست که باید هنگام تأسیس بانکها مورد توجه باشد لیکن قانون بانکداری اس اساس بانک است و بانک‌ها باید در تأسیس خود مواد این قانون خاصه آنقسمت را که با نظم عمومی ارتباط پیدا میکند حتماً رعایت کرده باشند مثلاً رعایت مقررات ماده قانون بانکداری در اساسنامه بانک ضرورت قطعی دارد و انحراف از آن اگر باعتبار قانونی بانک لطمه وارد نسازد حداقل بصلاحیت آن برای بعضی امور آسیب میرساند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی